

مقوله‌های زبانی در علم صرف روسی

چکیده

در نتیجه مطالعه دستوری واژه در حوزه علم صرف روسی، دو نوع مقوله زبانی از یکدیگر متمایز می‌شوند. این دو مقوله عبارتند از: «مقوله دستوری» و «انواع لغوی-دستوری». تعیین مقوله‌های دستوری با استناد به یک سری خصوصیات دستوری واژه انجام می‌پذیرد. زبان شناسان و دستور نویسندگان روس با لحاظ نمودن معیارهای متفاوت، مقوله‌های دستوری را به انواعی تقسیم می‌کنند. در تعیین انواع لغوی دستوری، علاوه بر خصوصیات دستوری، یک سری خصوصیات لغوی و معنایی نیز در نظر گرفته می‌شوند. انواع لغوی-دستوری را در ارتباط با واژه‌ها باید یک مقوله درون طبقه‌ای دانست که در درون اقسام کلمه مختلف مشخص می‌شوند.

کلید واژه‌ها: مقوله‌های زبانی، مقوله دستوری، انواع لغوی-دستوری.

مقدمه

«علم صرف روسی»^۱ مانند برخی دیگر از حوزه‌های مطالعاتی زبان، از قبیل واژه‌سازی، واژه را موضوع مطالعه و بررسی قرار می‌دهد. اما، این مطالعه و بررسی برخلاف سایر حوزه‌ها فقط مرتبط با جنبه‌های دستوری واژه است. در این باره، بررسی اصول و قواعد حاکم بر رفتار و نحوه تغییر شکل واژه‌ها با هدف ساخت واحدهای زبانی بزرگتر، از قبیل گروه واژه و جمله از مهمترین اهداف و وظایف علم صرف به شمار می‌آید. زبان شناسان و دستورنویسان روس در مطالعات خود در حوزه علم صرف سعی نموده‌اند با مقوله‌سازی خصوصیات صرفی واژه، تصویری نظام مند از ماهیت دستوری واژه و نحوه عملکرد آن در نظام دستوری زبان روسی ارائه نمایند. مقصود از مقوله‌سازی، مشاهده و تجمیع یک سری پدیده‌های زبانی همگن، تحت عنوان «مقوله»^۲ است. مقوله‌ها دارای یک سری ویژگیهای ساختاری و محتوایی اند. یکی از مهمترین مواردی که به هنگام تشخیص و تعیین نوع مقوله‌های زبانی مد نظر قرار می‌گیرد،

1. морфология русского языка

2. категория

میزان و نوع تأثیر گذاری آن مقوله بر خصوصیات و نحوه عملکرد سایر پدیده های زبانی است. مثلاً، می توان به تعیین مقوله «گذر»^۱ در ارتباط با افعال روسی اشاره نمود، که تأثیر غیرقابل انکاری بر سایر خصوصیات و نحوه عملکرد افعال دارد. ساخت وجه معلوم یا مجهول از افعال روسی متأثر از مقوله گذر افعال است. تنها از فعل گذرا می توان وجه مجهول ساخت.

البته، باید خاطر نشان ساخت که روند مقوله سازی فقط مختص به علم صرف و واژه نیست. مقوله سازی را می توان در ارتباط با سایر حوزه های مطالعاتی زبان نیز مشاهده کرد؛ مثلاً، می توان به مقوله های «زنگدار-بی زنگ»^۲ در حوزه آواشناسی روسی، «اشتقاق»^۳ در حوزه واژه سازی روسی، «چند معنایی»^۴ در حوزه واژه شناسی روسی و «اسناد»^۵ در حوزه نحو روسی اشاره نمود.

در نتیجه مطالعات صرفی واژه های روسی، در یک تقسیم بندی کلی، می توان حداقل دو نوع مقوله زبانی را تحت عناوین «مقوله های دستوری»^۶ و «انواع لغوی-دستوری»^۷ از یکدیگر متمایز کرد. در این مقاله ما به مطالعه و بررسی این دو مقوله زبانی می پردازیم.

مقوله های دستوری

در نظام زبان روسی، انواعی از «معانی دستوری»^۸ وجود دارند؛ مثلاً، به معانی دستوری «اول شخص مفرد»، «دوم شخص مفرد»، «شمار مفرد» و «شمار جمع» به ترتیب، در واژه های *пишу* (می نویسم)، *пишешь* (می نویسی)، *пишет* (کتاب)، *пишут* (کتابها) دقت نمایید. معانی دستوری مرتبط با مجموعه واژه های *пишешь*، *пишу* از یک نوع و معانی دستوری مرتبط با مجموعه واژه های *пишет*، *пишут* از نوع دیگریند. گروه اول به معنای دستوری «شخص» و گروه دوم به معنای دستوری «کمیت» اشاره می کنند. در هر یک از دو مجموعه فوق، تقابلی از صورتهای صرفی متفاوت واژه که بیانگر معنای دستوری یکسانند ملاحظه می شود. این تقابلهای «مقوله های دستوری» را می سازند؛ مثلاً، تقابل مجموعه صورتهای صرفی واژه های *пишете*، *пишем*، *пишете*، *пишеш*، *пишу*

1. переходность
2. звонкость-глухость
3. производность
4. многозначность
5. предикативность
6. грамматические категории
7. лексико-грамматические разряды
8. грамматические значения

пишут بیانگر مقوله دستوری «شخص» و تقابل صورتهای صرفی книги, книга بیانگر مقوله دستوری "شمار"ند. بنابر این در تعریفی مشخص، «مقوله دستوری» عبارت است از مجموعه‌ای از معانی دستوری هم نوع که به وسیله صورتهای صرفی مختلف واژه بیان می شوند. قبول و ارائه چنین تعریفی از مقوله دستوری، ما را به شناخت مهمترین ویژگی این نوع مقوله‌ها در زبان روسی، یعنی دو وجهی بودن آنها، رهنمون می سازد. این دو وجه را «وجه محتوا»^۱ و «وجه لفظ»^۲ تشکیل می دهند. تأکید بر دو وجهی بودن مقوله دستوری را می توان در آثار و نظریات بسیاری از زبان شناسان روس نیز مشاهده نمود (کلابوکوف^۳، ۲۰۰۱: ۱۸۴؛ چسوکووا^۴، ۲۰۰۱: ۷). در صورت عدم وجود هر یک از دو وجه فوق، مقوله مورد نظر را نمی توان مقوله دستوری دانست. مثلاً، مقوله «نوع صرف»^۵ مربوط به افعال روسی را به دلیل فقدان وجه محتوا نمی توان یک مقوله دستوری دانست، زیرا تقسیم بندی افعال روسی با استناد به صورت یا لفظ آنها به دو گروه «افعال صرف نوع اول» و «افعال صرف نوع دوم» بیانگر هیچ نوع تفاوت محتوایی میان آنها نیست. همچنین، از سوی دیگر، تقسیم بندی صفات را، با استناد به مفهوم و محتوای آنها، به «صفات کیفی»، «صفات نسبی» و غیره، نمی توان نوعی مقوله دستوری دانست. زیرا در زبان روسی، صورتهای لفظ مختص و مشخصی که موجب تمایز صفات کیفی، صفات نسبی و غیره از یکدیگر شوند، وجود ندارد.

برای هر یک از مقوله های دستوری می توان اعضای را مشخص کرد. مقصود از اعضای مقوله دستوری، اجزای تشکیل دهنده یک معنای بزرگ و جامع دستوریست که توسط یک مقوله دستوری بیان می شود. تعداد اعضای که در درون هر یک از مقوله های دستوری در تقابل یکدیگر قرار می گیرند، با توجه به ساختار زبان، ثابت و مشخص است. مثلاً، مقوله دستوری «شخص» برای افعال روسی شامل ۶ عضو است؛ пишу بیانگر اول شخص مفرد، пишешь بیانگر دوم شخص مفرد، пишет بیانگر سوم شخص مفرد، пишем بیانگر اول شخص جمع، пишете بیانگر دوم شخص جمع، пишут بیانگر سوم شخص جمع. مقوله دستوری «شمار» برای اسامی روسی شامل ۲ عضو است: книга بیانگر شمار مفرد، книги بیانگر شمار جمع.

مقوله های دستوری را در ارتباط با واژه ها می توان به موجب معیارهای متفاوت به انواعی تقسیم

1. план содержания
2. план выражения
3. Клобуков Е.В.
4. Чеснокова Л.Д.
5. типы спряжения

نمود. در اینجا، ما سه نوع معیار را مبنای این تقسیم بندی قرار می دهیم: ۱. تعداد اعضای مقوله دستوری ۲. نوع رابطه موجود میان اعضای مقوله دستوری ۳. امکان ارائه اعضای مقوله دستوری در صورتهای صرفی یک واژه یا در واژه های مختلف. با مینا قرار دادن این معیارها می توان حداقل هشت نوع مقوله دستوری روسی را از یکدیگر متمایز کرد.

به موجب معیار اول، مقوله های دستوری «دو عضوی»، مانند مقوله های دستوری «شمار» و «نمود»؛ مقوله های دستوری «سه عضوی»، مانند مقوله های دستوری «شخص»، «وجه»، «جنس» و مقوله های دستوری «چند عضوی»، مانند مقوله دستوری «حالت» از یکدیگر متمایز می شوند.

به موجب معیار دوم، می توان حداقل سه نوع مقوله دستوری را از یکدیگر متمایز نمود. این انواع با استناد به سه نوع رابطه ممکن میان اعضای یک مقوله دستوری مشخص می شوند.

رابطه نوع اول را، به عنوان مثال، می توان میان اعضای مقوله دستوری «جنس» در تقابل اسمهایی، از قبیل учитель (معلم مذکر) و учительница (معلم مؤنث) مشاهده نمود. در این زوج اسمی، اسم مذکر учитель می تواند هم در ارتباط با «معلم مرد» و هم در ارتباط با «معلم زن» به کار برود. اما، اسم مؤنث учительница تنها به «معلم زن» اطلاق می گردد. این نوع رابطه میان اعضای مقوله دستوری را «رابطه نابرابر»^۱ می نامیم.

رابطه نوع دوم را، به عنوان مثال، می توان میان اعضای مقوله دستوری «جنس» در تقابل اسمهایی، از قبیل брат (برادر) و сестра (خواهر) مشاهده نمود. در این زوج اسمی، واژه брат تنها به فرد مذکر و واژه сестра تنها به فرد مؤنث اطلاق می شود. این نوع رابطه میان اعضای مقوله دستوری را «رابطه برابر»^۲ می نامیم.

رابطه نوع سوم را می توان میان اعضای مقوله دستوری «درجه مقایسه» در ارتباط با صفات یا قیدها، از قبیل умный (عاقل) و умнее (عاقل تر)؛ хорошо (خوب) و лучше (خوبتر) مشاهده نمود. این نوع رابطه میان اعضای مقوله دستوری را «رابطه مقیاسی»^۳ می نامیم.

به موجب معیار سوم، دو نوع مقوله تحت عناوین «مقوله دستوری تغییردهنده»^۴ و «مقوله دستوری غیرتغییردهنده»^۵ از یکدیگر متمایز می شوند. در اکثر پژوهشها و مطالعات صرفی روسی، این نوع معیار

-
1. привативное отношение
 2. эквиполентное отношение
 3. градуальное отношение
 4. словоизменительные грамматические категории
 5. несловоизменительные грамматические категории

مبنای تقسیم بندی مقوله‌های دستوری قرار می‌گیرد (کلابوکوف^۱، ۱۹۹۹: ۱۹۲؛ بلاشاپکوا^۲، ۱۹۸۹: ۳۹۰).

«مقوله دستوری تغییردهنده» به مقوله‌ای اطلاق می‌شود که اعضای آن در صورتهای صرفی مختلف یک واژه بیان می‌شوند و واژه‌های صرفی آن واژه را تشکیل می‌دهند. بدین ترتیب، صورت یک واژه به موجب مقوله‌های دستوری تغییر دهنده تغییر می‌کند؛ مثلاً، دو واژه *комната* (اتاق) و *комнаты* (اتاقها) در واقع صورتهای صرفی یک واژه (یعنی *комната*) اند. تفاوت این دو واژه تنها در مقوله دستوری «شمار» است. «حالت» نیز از مقوله‌های دستوری تغییردهنده به شمار می‌آید؛ مثلاً، واژه *комната* به موجب مقوله دستوری تغییر دهنده «حالت» دارای واژه‌های صرفی فوق است:

. о комнате , комнато́й , комнату́ , комнате́ , комнаты́ , комната́

«مقوله دستوری غیرتغییردهنده» به مقوله‌ای اطلاق می‌شود که اعضای آن در واژه‌های مختلف بیان می‌شوند. مجموع واژه‌های یک زبان را می‌توان به موجب ویژگیهای دستوری غیرتغییردهنده به گروههای دستوری مختلف تقسیم بندی نمود. بدین ترتیب، صورت یک واژه به موجب مقوله‌های دستوری غیر تغییر دهنده تغییر نمی‌کند. از مقوله‌های دستوری غیرتغییردهنده در زبان روسی می‌توان به مقوله دستوری «جنس» در اسم اشاره نمود که شامل اعضای مذکر، مؤنث و خنثی است. در زبان روسی، صورت اسامی به لحاظ مقوله دستوری جنس تغییر نمی‌کند. هر اسم در زبان روسی یا مذکر است یا مؤنث یا خنثی. نمی‌توان اسمی را در نظر گرفت که صورت آن از نظر جنس تغییر کند و هم دارای صورت مذکر و هم دارای صورت مؤنث یا خنثی باشد. در زبان روسی، مقوله دستوری «جاندار-بیجان» نیز در اسم از مقوله‌های دستوری غیرتغییردهنده است. اسامی به لحاظ دستوری یا جاندارند یا بیجان و صورت آنها بر اساس این مقوله دستوری تغییر نمی‌کند.

بزرگترین و مهمترین مقوله دستوری در حوزه صرف زبان روسی که برخلاف سایر مقوله‌های دستوری، نه تنها یک گروه از واژه، بلکه تمامی واژه‌های زبان را در بر می‌گیرد، مقوله غیرتغییردهنده «اقسام کلمه»^۳ است. مقوله اقسام کلمه را باید مبنای مطالعه دستوری واژه و کلیه مقوله‌های مرتبط با آن دانست. تمامی واژه‌های روسی به موجب این مقوله دستوری و با تکیه بر یک سری مشخصه‌های صرفی، نحوی و ساختاری به اقسام یا اصطلاحاً به «طبقات دستوری» تقسیم می‌شوند.

1. Клобуков Е.В.
2. Белошапкина В.А.
3. части речи

مهمترین مشخصه صرفی واژه که به هنگام تعیین قسم کلمه، قبل هر چیز به آن توجه می‌شود، «معنای طبقاتی»^۱ است. معنای طبقاتی واژه به آن معنای کلی و انتزاعی اطلاق می‌شود که تمامی واژه‌های یک طبقه دستوری را در برمی‌گیرد؛ مثلاً افعال دارای معنای طبقاتی «عمل» یا «حالت» اند: читать (مطالعه کردن)، сидеть (نشستن، در حالت نشسته بودن)؛ اسامی بیانگر معنای طبقاتی "شیء" اند: студент (دانشجو)، журнал (مجله)؛ صفات بیانگر معنای طبقاتی «ویژگی» و «نشانه» اند: хороший (خوب)، красный (قرمز)؛ اعداد بیانگر معنای طبقاتی «کمیت» اند: десять (ده)، десятый (دهمین).

مشخصه صرفی دیگری که در تعیین قسم کلمه روسی مد نظر قرار می‌گیرد، مقوله‌های دستوری واژه است. واژه‌ها به واسطه نوع مجموعه مقوله‌های دستوری خود، به گروه‌های مختلفی دسته‌بندی می‌شوند؛ مثلاً در زبان روسی، اسامی جزء آن دسته از واژه‌ها هستند که دارای مجموعه مقوله‌های دستوری «شمار»، «جنس»، «حالت» و «جاندار-بیجان» اند، مانند واژه جاندار студент (دانشجو) که دارای مقوله‌های دستوری «شمار مفرد»، «جنس مذکر» و «حالت نهادی» است. افعال از آن دسته واژه‌ها هستند که دربرگیرنده مجموعه مقوله‌های دستوری «زمان»، «شخص»، «شمار»، «جنس»، «وجه»، «نمود» و «وجه» اند، مانند واژه صرفی читает (مطالعه می‌کند) که دارای مقوله‌های دستوری «زمان حال»، «سوم شخص»، «شمار مفرد»، «وجه اخباری»، «نمود غیر کامل» و «وجه معلوم» است. مشخصه‌های نحوی‌ای که به هنگام تعیین قسم کلمه روسی مورد توجه قرار می‌گیرند، به شرح زیرند:

۱. وضعیت واژه از لحاظ امکان استفاده آن در جملات به عنوان «اجزای جمله»^۲؛ مثلاً اسم به لحاظ نحوی از آن دسته واژه‌هاست که در ساختار گروه‌واژه‌ها و جملات می‌تواند به عنوان اجزای مختلف جمله، از قبیل نهاد، مفعول و غیره به کار برود.
۲. نقش واژه به هنگام استفاده آن در ساختار گروه‌واژه و جمله؛ مثلاً اسم در ساختار گروه‌واژه‌ها و جملات عمدتاً در نقش‌های «نهاد»، «مفعول»، «متمم اسم»^۳ و غیره به کار می‌رود.
۳. چگونگی و نوع ترکیب واژه با دیگر واژه‌ها در ساختار گروه‌واژه و جمله؛ مثلاً اسامی به لحاظ نحوی از آن دسته واژه‌ها هستند که در ساختار گروه‌واژه‌ها و جملات می‌توانند صفات را به کمک رابطه

1. частеречное значение
2. члены предложения
3. определение

نحوی «همسانی»^۱ و اسامی را به کمک رابطه نحوی «حاکمیت»^۲ در ترکیب با خود در نقش متمم اسم بپذیرند.

همان گونه که اشاره شد، مشخصه‌های ساختوازی نیز می‌توانند در تعیین نوع قسم کلمه لحاظ شوند؛ مثلاً، می‌توان به مشخصه‌های ساختوازی مشترک میان دو اسم ШКОЛА (مدرسه) و КНИГА (کتاب) اشاره نمود. از هر دو واژه فوق می‌توان به کمک پسوند -н- صفت ساخت: ШКОЛЬНЫЙ، КНИЖНЫЙ.

زبان‌شناسان روس با در نظر گرفتن مشخصه‌های صرفی و نحوی واژه‌ها، نظریه‌های مختلفی را در خصوص تعداد اقسام کلمه روسی ارائه می‌دهند. برخی از زبان‌شناسان تعداد اقسام کلمه روسی را هشت (بلاشاپکووا، همان: ۴۰۱) گروهی ده (دستور زبان روسی^۳، ۱۹۸۰: ۴۵۷) تعدادی از زبان‌شناسان دوازده (وینوگرادف^۴، ۱۹۷۲: ۴۱) و برخی دیگر نیز پانزده (دیبرووا^۵، ۲۰۰۱: ۱۶) بر می‌شمارند.

در حال حاضر، به جرأت می‌توان دیدگاه و نظریات وینوگرادوف، زبان‌شناس بزرگ روسیه را در قرن بیستم، متداولترین نظریه در ارتباط با مقوله اقسام کلمه روسی دانست. پیرو نظریات این دانشمند روسی، اقسام کلمه روسی را می‌توان به چهار گروه کلی تقسیم بندی نمود (وینوگرادف، همان: ۴۱): ۱. «اقسام کلمه مستقل»^۶، شامل اسم، ضمیر، صفت، عدد، قید، فعل، صفت فعلی، قید فعلی و قیده‌های گزاره‌ای، ۲. «اقسام کلمه کمکی یا نامستقل»^۷، شامل حروف اضافه، حروف ربط و ادات^۳. «کلمات معترضه»^۸، مثل по-моему (به نظرم ...)، кажется (به نظر می‌رسد...)، ۴. «اصوات»^۹ که «تام آوا»^{۱۰} نیز شامل آن می‌شود، مثل боже (خدایا)، ах (آه، آخ)، ха-ха-ха (ها-ها-ها)، мяу-мяу (میو-میو).

انواع لغوی-دستوری

«انواع لغوی-دستوری» را باید یک مقوله درون طبقه ای دانست که در درون اقسام کلمه مختلف مشخص می‌شود. در تعیین انواع لغوی-دستوری، علاوه بر خصوصیات دستوری، همچنین یک سری

1. согласование
2. управление
3. Русская грамматика
4. Виноградов В.В.
5. Диброва Е.И.
6. самостоятельные части речи
7. служебные части речи
8. модальные слова
9. междометия
10. звукоподражание

خصوصیات لغوی و معنایی که بر رفتار دستوریِ قسم کلمه تأثیر گذارند، در نظر گرفته می شوند؛ مثلاً، قسم کلمه صفات را می توان به موجب یک سری خصوصیات دستوری و لغوی به انواع لغوی-دستوری «صفات کیفی»، «صفات نسبی» و «صفات ملکی» تقسیم بندی نمود (دستور زبان روسی^۱، ۱۹۵۳: ۲۸۱). این صفات به لحاظ معنا و مفهومی که بیان می کنند و همچنین به لحاظ خصوصیات و رفتار دستوری خود با یکدیگر متفاوتند؛ مثلاً، تنها از صفات کیفی می توان درجات تفضیلی و عالی ساخت.

اگر بخواهیم فهرست کاملی از انواع لغوی-دستوری در ارتباط با تمامی واژه های روسی ارائه نماییم، باید هر یک از اقسام کلمه روسی را به طور مجزا مورد مطالعه و بررسی قرار داده و با توجه به خصوصیات دستوری و لغوی واژه های آن قسم کلمه، گونه های مختلفی از این انواع را مشخص نماییم. قطعاً پرداختن به چنین امری در چارچوب این مقاله، با توجه به اهداف تعیین شده، امکان پذیر نیست. در این مقاله، ما تنها به بررسی و تعیین انواع لغوی-دستوری در درون قسم کلمه «اسم» می پردازیم.

با توجه به خصوصیات دستوری و لغوی اسامی روسی، انواع لغوی-دستوری مربوط به این قسم کلمه را باید در دو مرحله تقسیم بندی ارائه نمود. در مرحله اول، کلیه اسامی روسی به دو نوع تقسیم می شوند: «اسامی عام»^۲ و «اسامی خاص»^۳. در مرحله دوم، اسامی عام به چهار نوع تقسیم می شوند: «اسامی ذات»^۴، «اسامی معنا»^۵، «اسامی مواد»^۶، «اسامی مجموعی»^۷.

اسم عام به موجب معنای لغوی خود به مجموعه ای از اشیاء، موجودات و مفاهیم هم نوع اطلاق می شود، مانند اسامی человек (آدم، انسان)، город (شهر)، дерево (درخت)، успех (موفقیت)، река (رودخانه). مثلاً، واژه город به هر «آبادی بزرگی که دارای خیابانها، کوچه ها، خانه ها، دکانها و سکنه بسیار باشد» اطلاق می گردد.

اسم خاص به موجب معنای لغوی خود جهت نامیدن شیء، موجود یا مفهومی معین و مشخص از میان مجموع اشیاء، موجودات و مفاهیم هم نوع خود به کار می رود، مانند اسامی Марс (سیاره مریخ)، Москва (مسکو)، Виктор (ویکتور)، Россия (روسیه). مثلاً، از میان تمامی شهرهای موجود، واژه Москва تنها به «شهری بزرگ، پر جمعیت و پایتخت روسیه، واقع در زمین جلگه ای در کنار رودی به

1. Грамматика русского языка
2. нарицательные существительные
3. собственные существительные
4. конкретные существительные
5. отвлеченные существительные
6. вещественные существительные
7. собирательные существительные

نام مسکو» اطلاق می‌گردد.

اسامی خاص نوع ویژه‌ای از اسامی اند که می‌توانند طیف گسترده و متنوعی از واژه‌ها یا گروه واژه‌های یک زبان را در بر گیرند. از این میان، می‌توان به انواع زیر اشاره نمود: «نام» یا «نام خانوادگی اشخاص» مانند Иван (ایوان)، Толстой (تولستوی)، Пушкин (پوشکین)؛ «نام مکانهای جغرافیایی» مانند Москва (مسکو)، Волга (رود ولگا)، Кавказ (قفقاز)؛ نام آثار هنری، کتب، نشریات مانند Война и мир (رمان «جنگ و صلح»)، кавказский пленник (فیلم سینمایی «اسیر قفقاز»)، Известия (روزنامه «ایزوستیا»)؛ «نام اماکن عمومی» از قبیل تأتر، مغازه و غیره مانند Большой театр (نام تأتر مشهور روسیه) Дом книги (نام کتاب فروشی بزرگ در مسکو)، Красная площадь (میدان سرخ).

از اسامی عام، با توجه به خصوصیات دستوری آنها، می‌توان صورت جمع ساخت؛ مانند ШКОЛЫ (مدرسه‌ها)، деревья (درختها)، успехи (موفقیتها)، реки (رودخانه‌ها). برخلاف اسامی عام، اسامی خاص به موجب مقوله دستوری شمار تغییر نمی‌کنند. اکثر این اسامی دارای شمار مفردند؛ مانند Иван, Пушкин, Толстой. اما، اسامی جمع نیز در میان اسامی خاص وجود دارند؛ مانند Альпы (کوه‌های آلپ)، Афины (آتن).

باید توجه نمود که تفاوت میان اسامی عام و اسامی خاص در ارتباط با مقوله دستوری شمار نمی‌تواند به عنوان یک مؤلفه حقیقی در جداسازی این دو نوع اسامی از یکدیگر به شمار آید. زیرا، از یک سو، می‌توان به برخی اسامی عام در زبان روسی اشاره نمود که در ارتباط با مقوله دستوری شمار، فاقد یکی از شمارهای مفرد یا جمع اند، مانند اسم مفرد масло (روغن) و اسم جمع джунгли (جنگل انبوه). از سوی دیگر، از برخی اسامی خاص مفرد در شرایط ویژه می‌توان شمار جمع ساخت، مانند اسم جمع Толстые (تولستوی‌ها) در جمله Многие Толстые прославились в России. همان گونه که در این مثال مشاهده می‌شود، در برخی (تولستوی‌های زیادی در روسیه شهرت یافتند). همان گونه که در این صورت جمع به کار برد. البته، در این صورت، تغییراتی نیز در مفعوم و معنای این اسامی در مقایسه با صورت مفرد آنها به وجود می‌آید. نام و نامهای خانوادگی در صورت جمع معمولاً به «مجموع افراد یک خانواده»، به «گروهی از افراد که دارای نام متشابه اند» یا به «گروهی از افراد که دارای خصوصیات و ویژگیهای مشترک‌اند» اشاره می‌نمایند، مانند Петровы (پتروفها)، Ивановы (ایوانفها)، Толстые (تولستوی‌ها).

یکی از مسائل و مشکلاتی که به هنگام بررسی اسامی خاص با آن مواجه می‌شویم، تعیین

گروه واژه‌ها و جمله‌هایی از قبیل *кавказский пленник* (فیلم سینمایی «اسیر قفقاز»)، *Кому на Руси жить хорошо* (منظومه «چه کسی در روسیه راحت زندگی می‌کند») به عنوان اسامی خاص است. این واحدهای زبانی، که به موجب خصوصیات صرفی و ساختواری خود اسم به شمار نمی‌آیند، مانند اسامی خاص، به مفهوم معین و مشخصی شیء گونه از میان مجموع مفاهیم هم نوع خود دلالت می‌کنند. زبان شناسان، با استناد به نقش و معنای شیء گونه این نوع گروه واژه‌ها و جمله‌ها، ضمن مشخص نمودن آنها با اصطلاح تخصصی «عنوان»^۱، با استفاده از اصطلاح تخصصی دیگری با نام «عنوان خاص»^۲، این نوع گروه واژه‌ها و جملات را گونه‌ای از اسامی خاص به شمار می‌آورند. عنوانهای خاص، همچون اسامی، در ساختار جملات، در نقشهای مختلف اسمی به کار می‌روند. اما، بر خلاف اسامی، آنها عمدتاً قادر به بیان مقوله‌های دستوری شمار، جنس و حالت نیستند. به عنوان مثال، به کاربرد گروه واژه *кавказский пленник* در نقش «متمم اسم مضاف الیهی»^۳ در پاسخ به سؤال *Вчера мы посмотрели фильм какой? какой? какой фильм?* «Кавказский пленник» (دیروز ما فیلم «اسیر قفقاز» را تماشا کردیم).

اسم ذات به موجب معنای لغوی خود به آن دسته اسامی اطلاق می‌شود که بیانگر موجودات و پدیده‌های محسوس و حقیقی در عالم واقع اند. مصداق این گونه اسامی معمولاً در خارج از ذهن موجود و ملموس اند. اسامی ذات دلالت می‌کنند بر موجودات و پدیده‌هایی از قبیل، انسانها، جانوران، گیاهان و اشیاء، مانند *человек* (آدم، انسان)، *сестра* (خواهر)، *преподаватель* (معلم)، *студент* (دانشجو)، *собака* (سگ)، *слон* (فیل)، *медведь* (خرس)، *ель* (درخت کاج)، *журнал* (مجله)، *петрушка* (سبزی جعفری)، *лук* (پیاز)، *дерево* (درخت). مهمترین تفاوت میان اسامی ذات با دیگر انواع، قابل شمارش بودن موجودات و پدیده‌های مرتبط با این نوع اسامی است. اسامی ذات می‌توانند به موجب مقوله دستوری شمار تغییر کنند و در ترکیب با «اعداد شمارشی»^۴ نیز به کار بروند. برای نمونه، به مثالهای زیر دقت کنید:

книга (کتاب) ← *книги* (کتابها) ← *две книги* (دو کتاب)؛ *сестра* (خواهر) ← *сёстры* (خواهرها)
стол (میز) ← *столы* (میزها) ← *два стола* (دو میز)؛
медведь (خرس) ← *медведи* (خرسها) ← *два медведя* (دو خرس).

1. наименование
2. собственное наименование
3. несогласованное определение
4. количественные существительные

در درون اسامی ذات می توان دو نوع «اسامی شخصی»^۱ و «اسامی غیر شخصی»^۲ را از یکدیگر متمایز نمود. جداسازی این دو نوع اسامی از یکدیگر را باید با تعیین نوع مقوله دستوری جنس در این اسامی مرتبط دانست. تعیین جنس دستوری در اسامی شخصی ارتباطی مستقیم با نوع جنس زیستی آنها دارد؛ مثلاً به تعیین جنس دستوری مذکر در اسامی شخصی مذکر брат (برادر)، учитель (معلم)، москвич (مسکوی، اهل مسکو) و جنس دستوری مؤنث در اسامی شخصی مؤنث сестра (خواهر)، учительница (معلم)، москвичка (مسکوی، اهل مسکو) دقت نمایید.

در درون اسامی ذات، همچنین نوع دیگری از اسامی تحت عنوان «اسامی منفرد»^۳ مشخص می‌شوند. اسم منفرد دلالت می کند بر یک عضو از یک مجموعه هم نوع و یکپارچه. این نوع اسامی معمولاً دارای پسوندهای واژه ساز -ин/a و -инк/a اند، مانند горошина (یک دانه نخود)، жемчужина (یک دانه مروارید). مجموعه یکپارچه متشکل از «اسامی منفرد» محتوای «اسامی مواد» یا «اسامی مجموعی» را تشکیل می‌دهند؛ مثلاً، به رابطه میان اسم منفرد соломина (یک پر کاه) با اسم مواد солома (کاه) و اسم منفرد лист (یک برگ) با اسم مجموعی листва (برگها، شاخ و برگ) دقت نمایید.

اسم معنا، برخلاف اسم ذات، به موجب معنای لغوی خود به آن دسته اسامی اطلاق می شود که بیانگر تصورات و پدیده‌های عالم ذهن اند. مصداق این نوع اسامی در خارج از ذهن وجود ندارند. این نوع اسامی معمولاً بیانگر مفاهیمی ذهنی و انتزاعی، از قبیل «عمل» (مانند бег به معنای «دو»، смех به معنای «خنده»، «نشانه» یا «کیفیت» (مانند красота به معنای «زیبایی»، глубина به معنای «عمق») و «رابطه» (مانند дружба به معنای «دوستی») اند. اسامی معنا با توجه به ماهیت معنایی خود، معمولاً به موجب مقوله دستوری شمار تغییر نمی کنند و در ترکیب با اعداد شمارشی به کار نمی روند. اما، ترکیب آنها با واژه هایی، از قبیل мало (کم)، много (زیاد) و غیره امکان پذیر است؛ مانند много горя (غمهای فراوان)، мало радости (شادیهای کم).

اسم مواد به موجب معنای لغوی خود به آن دسته اسامی اطلاق می شود که به انواع مواد دلالت می کنند. موادی که معنای لغوی این نوع اسامی را تشکیل می دهند، محتوا و حجمی یکپارچه و تقسیم ناپذیرند. به همین دلیل، اسامی مواد غیر قابل شمارش اند و به موجب مقوله دستوری شمار تغییر

1. личные существительные
2. нарицательные существительные
3. сингулятивы

نمی کنند. این نوع اسامی تنها دارای صورت صرفی مفرد یا جمع اند؛ مانند اسامی مفرد масло (روغن)، молоко (شیر)، вода (آب)، пшеница (گندم)، солома (کاه)، горох (نخود) و اسم جمع сливки (خامه). اسامی مواد در ترکیب با اعداد شمارشی به کار نمی روند، اما می توان آنها را در ترکیب با واحدهای اندازه گیری به کار برد؛ مانند килограмм масла (یک کیلو روغن)، литр молока (یک لیتر شیر).

اسم مجموعی به آن دسته از اسامی اطلاق می شود که بیانگر مجموعه ای یکپارچه و تفکیک ناپذیر از پدیده‌های هم نوع اند. اسامی مجموعی معمولاً در شمار مفرد به کار می روند و دارای پسوند‌های واژه‌ساز -ств/о، -в/а، -ур/а و غیره اند؛ مانند اسامی مفرد студентство (دانشجویی)، аспирантура (دوره دکترا)، листва (برگها، شاخ و برگ). این اسامی به موجب مقوله دستوری شمار تغییر نمی کنند و در ترکیب با اعداد شمارشی نیز به کار نمی روند.

واژه‌هایی از قبیل народ (ملت، مردم)، армия (ارتش)، стая (دسته) را نباید جزء اسامی مجموعی به شمار آورد. این نوع اسامی، برخلاف اسامی مجموعی، دارای شمار جمع اند و می توانند در صورت جمع و در ترکیب با اعداد شمارشی به کار بروند: народ (ملت) ← народы (ملتها) ← два народа (دو ملت)؛ армия (ارتش) ← армии (ارتشها) ← две армии (دو ارتش)؛ стая (دسته) ← стаи (دسته‌ها) ← две стаи (دو دسته).

همان گونه که قبلاً نیز اشاره شد، اسامی معنا، اسامی مواد و اسامی مجموعی با توجه به ماهیت معنایی خود نمی توانند با اعداد شماری ترکیب شوند و معمولاً به موجب مقوله دستوری شمار تغییر نمی کنند. چنانچه این اسامی در شمار جمع به کار بروند، نوعی تغییر در معنای لغوی آنها به وجود می آید؛ مثلاً، معنای لغوی صورت جمع اسم مواد воды (آبها) در گروه واژه иранские воды (آبهای ایران) بر مجموع تعداد قابل شمارشی از «حوزه های آبی» ایران دلالت می کند. یا مثلاً، ترکیب عدد شمارشی два (دو) با اسم مواد молоко (شیر) در گروه واژه два молока (دو شیر) بیانگر «دو بطری یا پاکت شیر» است.

شاید، با لحاظ نمودن معیارهای جدید دیگر، بتوان تقسیم بندیهای درون مقوله ای در ارتباط با اسم را همچنان ادامه داد و انواع دیگری از اسامی را مشخص نمود. اما، آنچه را که در ارتباط با انواع لغوی-دستوری اسامی روسی آمد، به جرأت می توان بهینه ترین تقسیم بندی در خصوص انواع لغوی-دستوری اسامی روسی دانست. این نوع تقسیم بندی مقوله های زبانی را، البته با در نظر گرفتن برخی ملاحظات، می توان در آثار بسیاری از دانشمندان و دستورنویسان متخصص در علم صرف روسی مشاهده نمود

(ماکسیموف^۱، ۲۰۰۳: ۳۶۹؛ زمسکی^۲، ۲۰۰۰: ۱۲۴). در این تقسیم بندی، انواعی از اسامی روسی در ارتباط با مقوله های مختلف زبانی مشخص شده اند که هر یک به موجب خصوصیات لغوی، دستوری و ساختواژی دارای عملکردی ویژه و متفاوت در نظام زبان اند. در عین حال، در این تقسیم بندی می توان با یک سری مشکلات و مباحث بحث انگیز مواجه شد. برخی از این مشکلات منبعث از نظام پیچیده زبانی، و برخی دیگر، نوعاً برگرفته از مسائل مرتبط با روش مطالعات موضوع است؛ مثلاً، می توان به دشواری هنگام تعیین نوع اسامی ای از قبیل ДОХОД (درآمد)، несчастия (بدشانسی، بدبختی) اشاره نمود. این نوع اسامی را با استناد به معنای لغوی می توان به عنوان اسم معنا و با استناد به امکان به کارگیری در شمار جمع و همچنین ترکیب با اعداد شمارشی به عنوان اسم ذات تعیین نمود. در مثالی دیگر، می توان به تعیین نوع اسامی ای، از قبیل картофель (سیب زمینی)، виноград (انگور) اشاره کرد. این نوع اسامی، از یک سو، به لحاظ ماهیت لغوی و امکان ترکیب پذیری با واحدهای اندازه گیری، جزء اسامی مواد اند: килограмм картофеля (یک کیلو سیب زمینی)، два килограмма винограда (دو کیلو انگور). از سوی دیگر، مانند اسامی مجموعی، بیانگر مجموعه ای یکپارچه و تفکیک ناپذیر از پدیده های هم نوع اند که می توان برایشان اسامی منفرد نیز در نظر گرفت: картофелина (یک سیب زمینی)، виноградина (یک دانه انگور).

نتیجه گیری

در علم صرف روسی، در یک تقسیم بندی کلی، حداقل دو نوع مقوله زبانی را می توان در ارتباط با واژه از یکدیگر متمایز نمود. در تعیین یک نوع از این مقوله ها، استناد و تکیه بر خصوصیات دستوری واژه، مهمترین معیار در تشخیص و تعیین مقوله به شمار می آید. بر همین اساس، این نوع مقوله ها را «مقوله های دستوری» می نامیم. در تعیین نوع دیگر مقوله ها، علاوه بر خصوصیات دستوری، خصوصیات و محتوای لغوی واژه نیز مبنای قرار می گیرند. این نوع مقوله ها را باید معادل گروه های اسمی دانست که زبان شناسان روس در مطالعات صرفی، «انواع لغوی-دستوری» می نامند.

«اقسام کلمه» را باید مهمترین و بزرگترین مقوله دستوری در ارتباط با واژه های روسی دانست. این مقوله بزرگ دربرگیرنده یک سری مقوله های دستوری کوچکتر است که با تکیه بر آنها و همچنین با استناد به برخی مشخصه های نحوی و ساختواژی، تمامی واژه های روسی را به طبقات دستوری تقسیم

1. Максимов В.И.
2. Земский А.М.

می‌کند. زبان شناسان و دستورنویسان نظریات متفاوتی در خصوص تعداد این طبقات دستوری دارند. «انواع لغوی-دستوری» نوعی مقوله درون طبقه ای است که گونه‌های آن در درون اقسام کلمه مختلف مشخص می‌شوند. مهمترین انواع لغوی-دستوری در ارتباط با قسم کلمه «اسم» در زبان روسی عبارتند از: اسامی عام، اسامی خاص، اسامی ذات، اسامی معنا، اسامی مواد، اسامی مجموعی. علی‌رغم ارائه الگو و معیارهای مشخص در تعیین انواع لغوی-دستوری در ارتباط با اسامی روسی، برخی مشکلات و ابهامها در تعیین این انواع ملاحظه می‌شود. برخی از این مشکلات منبعث از نظام پیچیده زبانی و برخی دیگر، می‌تواند برگرفته از مسائل مرتبط با روش مطالعه موضوع باشد.

کتابنامه

- Белошапкина В.А. (1989), *Современный русский язык*. Москва, Высшая школа.
Грамматика русского языка. (1953), Москва, Академия наук СССР.
 Диброва Е.И. (2001), *Современный русский язык. Часть II*. Москва, АСАДЕМА.
 Земский А.М. (2000), *Русский язык*. Москва, АСАДЕМА.
 Клобуков Е.В. (1999), *Современный русский язык*. Москва, Высшая школа.
 Клобуков Е.В. (2001), *Современный русский язык*. Москва., Дрофа.
 Виноградов В.В. (1972), *Современный русский язык*. Москва, МГУ.
 Максимов В.И. (2003), *Современный русский литературный язык*. Москва, ГАРДАРИКИ.
Русская грамматика. (1980), Москва, Наука.
 Чеснокова Л.Д. (2001), *Современный русский язык*. Москва, АСАДЕМА.